

ایلیا موسایی| احمد فرمان را چرخاند و برای یکی بلند و کش‌دار بوق زد. بعد گفت «حالا هیشکی دقیق نمی‌چه چی شده... همه فقط می‌گن ترکیده‌ان» مامان گفت «خوبیت نداره این‌طوری بگی... حالا منم دل خوشی ازشون ندارم ولی نباید این‌جوری درباره مردم حرف بزنی... اسباب‌بازی که نیستن» احمد گفت «بی‌خیال مامان... خودت می‌دونی چی شده؟» من گفتم «سوخته‌ان دیگه» احمد گفت «از تو نپرسیدم... باز چی شده دمی؟» مامان پرید توی حرف «شروع نکنین... رو کرد به احمد «مگه ندیدی همین چند دقیقه پیش بچه‌ام چی دید» یلدا گفت «مامان چرا اون بچه‌ها خوششون صورتی بود؟» مامان گفت «استغفر...» احمد گفت «صورتی نبود خله» یلدا گفت «صورتی بود خودم دیدم... خوششون توی شیر بود» مامان گفت «بس کنین... حرف نباشه دیگه» من گفتم «سه‌روز نبودن... به‌خاطر قضیه گاز رفته بودن خونه فامیلانشون... بخاری رو به کاری کرده بودن از این چیزا نداشت... نمی‌دونم اسمش چیچه که گاز قطع می‌کنه» احمد گفت «ترموکوپله... این اصغر کلا فاز مهندسی داره همیشه کلاه‌ش تو وسایل و خرت و پرتاس... حالا چرا کودن ترموکوپلورداشته؟» مامان گفت «ایناروشون میاد پول نظافت‌راه‌پله رو بدن... حتما این‌جوری کرده که پول به این چیزچه که می‌گی نده» من گفتم «گاز که قطع شده و دوباره وصل شده بخاری گاز داده تو خونه... اینا هم نبودن» احمد گفت «حتما هم وقتی اومده‌ان تق کلید برق‌وزده‌ان» من گفتم «آره» احمد گفت «پوووف» مامان عمیق نفس کشید بعد گردش‌را کمی کچ کرد که یعنی با من است «حالت خوبه؟» گفتم «خوبم» گفت «از اون تصادفه ناراحتی هنوز؟» گفتم «آره» بعد صورتش‌را چرخاند سمت احمد «به‌جام‌غازای ده‌کای چیزی دیدی نگه دار به خوراکی بگیریم حال و هوامون عوض بشه» احمد گفت «وقت نداریم... نمی‌رسیم... همین الانم دیر شده ممکنه ده دقیقه‌آخر برسیم» یلدا گفت «چرا ببین خون صورتی داریم... خون آبی هم هست... سرچ کردم» تیلت را گرفته بود سمت احمد. مامان گفت «بشین بچه الان برامون دردسر درست می‌کنی» احمد گفت «تو چقدر خری دختر... خون قرمز وقتی می‌ریزه توی شیر صورتی می‌شه دیگه... عین شیر توت‌فرنگی» من گفتم «طوری سوخته‌ان که نمی‌شه شناختشون... پرت شده بودن تو سالن» احمد گفت «معلومه... شانس آورده‌ان هنوز زنده‌ان... خونه‌شون رسما منفرج شده» مامان گفت «ول کنین این حرفارو... حالمون بدشد... یلدا جان» یه چیزی توی اون لپ‌تاپت بذار «یلدا گفت «این تبلته مامان» مامان باز گردش‌را همان‌طور خم کرد و گفت «الان بهتری؟» گفتم «خوبم مامان» گفت «هموناز یلدا بگیر به چیز خنده‌دار بذار خودت» احمد گفت «همین تازه داشتی ازش می‌گرفتی» مامان گفت «خبه‌حالا... دلمون ترکید همماش حرف تصادف و سوختن و مردن» یلدا گفت «این گربه دیبونه‌ها خیلی با مزه‌ان» مامان گفت «ها همونو بذار» احمد گفت «اصلا می‌دارن بریم تو اتاق ببینیمشون؟» من گفتم «تو ای‌سی‌یو بستری‌ان» مامان گفت «احمد!» من گفتم «قطط از پشت شیشه» احمد گفت «باشه مادر جان اینا...» با انگشت‌هایش یک بلبلیک فرضی را گرفت و زیپ دهانش را کشید. یلدا گفت «خوششون صورتی بود... صورتی بود... کاش خون منم صورتی بود» مامان گفت «یلدا!» من گفتم «خون صورتی نداریم کچل» یلدا داد زد «مامان دیدی بهم گفت کچل» مامان گفت «بسه دیگه سرم رفت به‌خدا» یلدا گفت «مامان اون بچه‌ها مردن؟» مامان گفت «نه عزیزم... می‌برنشون دکتر خوب می‌شن... دیگه هم حرفشونو نزن باریکلا» احمد دوباره برای یکی بوق زد. همان‌طور کش دار و بلند. مامان گفت «آروم برو» احمد گفت «نمی‌رسیم دیر شده... سه که بشه همه رو بیرون می‌کنن... ملاقات بی‌ملاقات» مامان گفت «والا با این حالی که داریم الان یکی باید بیاد عیادت ما» یلدا گفت «بیا ببین اینا هم خوششون صورتنه...» مامان گفت «یلدا!» من گفتم «کی می‌رسیم؟» احمد گفت «یه‌بار دیگه بپرسی به‌خدا ماشین می‌زنم به یه تریلی همه‌مون راحت بشیم» مامان گفت «احمد» هنوز توی شلوغی بودیم. سرما‌گرگزمی کرد و بخار از حاشیه‌جوی‌ها بلند می‌شد. آفتاب پیدا و پنهان می‌شد و دلم می‌خواست احمد واقعا ماشین‌را تند براند و پرت شویم توی یک دره که انتهایش را مه گرفته و تا سال‌ها کسی پیدا‌ایمان نکند چون دلم می‌خواست از شر آن جسدها راحت شوم، جسد آن بچه‌ها و پدرشان که زیر ماشین گیر کرده بودند توی مغزم می‌لولیدند و حالم را بد می‌کردند.

پایان

کلاهبرداری با ترند پیامکی

شگردی متقلبانه که همچنان قربانی می‌گیرد

قرآنی| کارشناسان پلیس فتای مشهد متهم به کلاهبرداری از طریق پیامک جعلی سامانه ثنا را شناسایی و دستگیر کردند. رئیس پلیس فتای مشهد در تشریح جزئیات این پرونده گفت: در پی ارائه مرجوعه قضائی از سوی مردی میان سال به پلیس فتا مبنی بر برداشت ۶۷۰ میلیون ریال از حساب بانکی اش، پیگیری موضوع در دستور کار کارشناسان دایره مبارزه با جرائم اقتصادی پلیس فتای مشهد قرار گرفت.

سرهنگ سیدابوالفضل طالب‌الحق افزود: در بررسی اظهارات مال‌باخته از سوی کارشناسان پلیس فتا مشخص شد، این فرد از طریق لینک جعلی پیامکی مبنی بر اینکه «علیه‌شما در دادسرای عمومی و انقلاب شکایت شده و جهت مشاهده متن شکواییه می‌توانید از طریق لینک زیر اقدام کنید، بر روی لینک مربوط کلیک کرده‌و اطلاعات حساب کارت‌بانکی خود را در محل مشخص شده وارد و بعد از آن پیامک برداشت ۶۷۰ میلیون ریالی از حساب بانکی اش را دریافت کرده است.

این مقام انتظامی مشهد ادامه داد: با اقدامات فنی و تخصصی کارشناسان پلیس فتا در کمتر از سه ساعت کل مبلغ کلاهبرداری شده که به صورت خرید اینترنتی انجام شده بود، به حساب فرد مال‌باخته برگردانده شد.

سرهنگ طالب‌الحق بیان کرد: متهم پرونده نیز با ردزنی‌های پلیسی شناسایی شد و در اقدامی غافل گیرانه در مشهد به دام افتاد. این فرد پس از انتقال به مرکز پلیس فتای مشهد ضمن اقرار به جرم خود، به کلاهبرداری از مال‌باخته‌با استفاده از ارسال پیامک جعلی سامانه ثنا و فیشینگ اطلاعات حساب وی اعتراف کرد. پرونده متهم پس از تکمیل تحقیقات اولیه برای سیر مراحل قانونی و کشف دیگر جرائم احتمالی در اختیار دادسرا قرار گرفت. رئیس پلیس فتای مشهد تأکید کرد: پیامک ارسالی از سوی قوه قضائیه بدون لینک می‌باشد و چنانچه افراد پیام‌هایی تحت عنوان ابلاغ الکترونیک قضایی دریافت کردند که در آن پرداخت مبلغ هر چند کم درخواست شده بود، بداندن پیامک دریافتی جعلی است. همچنین پیامک ثنا از سرشماره شخصی ارسال نمی‌شود و سرشماره Adiliran تنها مرجع معتبر پیگیری است، بنابراین افراد در صورت مشاهده این‌گونه پیام‌ها بلافاصله موضوع را به پلیس فتا گزارش کنند.

قهوه فروش سیار عامل مرگ یک مشهدی

زوج جوانی دیروز در پی مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند که مرد جان باخت



مصرف می‌کنند وجود دارد، موضوعی که هر ساله تعدادی قربانی در کشور بر جا می‌گذارد. آخرین نمونه آن در یکی از روستاهای شهرستان چناران در خراسان رضوی رخ داد که چند کشته و مصدوم بر جا گذاشت.

بررسی‌ها درباره این پرونده و بازجویی از متهم که با سوءاستفاده از موقعیتی از مرتکب جرم شده است، ادامه دارد.

● تأیید فروش مشروب به جای قهوه
مأموران انتظامی برای سنجیدن صحت اظهارات زن جوان و همچنین داشتن مدرک محکمه‌پسند، به‌عنوان خریدار سراغ فروشنده قهوه سیار در حاشیه خیابان رفتند و دقایقی بعد در کمال نایاری توانستند از این فرد مشروبات غیرمجاز بخرند.
با تأیید موضوع فروش مشروبات در

از بیمارستان‌های مشهد شدند.
با حضور تیم جنایی در محل مشخص شد که زوج جوانی با علائم مسمومیت به بیمارستان منتقل شده‌اند که درمان‌های ابتدایی برای مرد جوان مؤثر نبود و این فرد به علت شدت مسمومیت فوت کرد.
البته کادر درمان توانسته بودند خطر را از سر زن بیست و چهار ساله دور و این فرد را با وضعیت پایدار در بخش مراقبت‌های ویژه بستری کنند.
● یک احتمال شوم
بررسی‌های اولیه حکایت از یک احتمال شوم داشت و مشخص شد که این زوج جوان پس از مصرف مشروبات الکلی دست‌ساز آلوده مسموم شده‌اند. با تأیید پزشکان نگاه‌ها به سمت ساقی این مشروبات چرخید.

تحقیقات اولیه نشان داد این افراد در کنار خیابان اقدام به خرید مشروبات الکلی کرده‌اند که خیلی زود سرو کله یک قهوه‌فروش سیار در پرونده پیدا شد. زن مدعی شده بود که مشروبات مسموم را از یک قهوه‌فروش خریداری کرده‌اند که با دستور مقام قضایی تحقیقات در این زمینه آغاز شد.

محمدجواد ابوعطا

گزارش

احتمالا با خودرو بستگان یا همسایه‌ها به بیمارستان منتقل شده بودند، چون اورژانس هم گزارشی که نشان دهد پیش از ظهر دیروز یک زوج جوان را به دلیل مسمومیت به بیمارستان‌های مشهد منتقل کرده‌باشد، نداشت. پس از انتقال مسمومان به بیمارستان بلافاصله اقدامات کادر درمان برای نجات جان آن‌ها آغاز شد، اما وضعیت این افراد بسیار وخیم بود به طوری که ساعتی بعد یکی از آن‌ها جان باخت و دیگری به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد. مرگ مشکوک در بیمارستان خیلی زود به نیروهای انتظامی مستقر در بیمارستان اطلاع‌رسانی شد و پای تیم ویژه قضایی را به بیمارستان گشود و ساعتی بعد هم پای یک قهوه‌فروش سیار را به پرونده باز کرد.

با اعلام جان‌باختن مشکوک و شبه‌عمد مردی حدوداً سی و پنج ساله به بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، قاضی صادق صفری به همراه تیم جنایی به منظور بررسی موضوع راهی یکی

مأموران تقلبی در چنگ مأموران حقیقی

مهدی قرآنی|باند سرقت‌های به‌عنف مأموران جعلی در یک عملیات تعقیب و گریز پلیسی متلاشی شد. این پرونده درست زمانی در دستور کار مأموران کلاتری سجاد مشهد قرار گرفت که مردی جوان با سامانه فوریّت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و مدعی شد افرادی به خانه او مراجعه کرده و مدعی شده‌اند که مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر هستند. این افراد با این ادعا که گزارشی مبنی بر نگهداری مواد مخدر و سلاح گرم در خانه‌مرد جوان دریافت کرده‌اند، به محل مراجعه‌و اقدام

به بازرسی این ملک مسکونی کرده‌اند. درحالی که این افراد در حال تفتیش خانه‌مرد جوان بودند یکی از تیم‌های گشتی کلاتری سجاد که از قضا در همان نزدیکی قرار داشت، مأموریت یافت تا

برای بررسی موضوع عازم محل شود. دو مرد جوان که خود را از مأموران پلیس معرفی کرده بودند هنوز در خانه مورد نظر حضور داشتند که مجریان قانون سر رسیدند و به سراغ این افراد رفتند.

گزارش

به بازرسی این ملک مسکونی کرده‌اند. درحالی که این افراد در حال تفتیش خانه‌مرد جوان بودند یکی از تیم‌های گشتی کلاتری سجاد که از قضا در همان نزدیکی قرار داشت، مأموریت یافت تا برای بررسی موضوع عازم محل شود. دو مرد جوان که خود را از مأموران پلیس معرفی کرده بودند هنوز در خانه مورد نظر حضور داشتند که مجریان قانون سر رسیدند و به سراغ این افراد رفتند.

عمل نجات‌بخش برای ۴ نفر

شهرآرا| اهدای اعضای بیمار مرگ مغزی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، موجب نجات و ادامه زندگی چهار بیمار نیازمند به‌عضوشد.

مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در این باره گفت: روز گذشته هزار و دویست و هشتاد و چهارمین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصریه با موفقیت انجام شد.

دکتر ابراهیم خالقی افزود: در این جراحی رسول خدوردیان، بیمار پنجاه ساله مرگ مغزی که از بیمارستان قائم (ع) به‌واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی مشهد معرفی شده بود با رضایت خانواده‌اش تحت جراحی اهدای عضو قرار گرفت.

وی ادامه داد: کبد و قریه‌های آن مرحوم به‌مردی پنجاه‌وپنج ساله ساکن بیرجند و دو بیمار مشهدی اهدا و پیوند شد. قسمتی از پوست نیز به بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد و جان یک نفر را نجات داد.

کمین در دیوار، سرقت پای عابر بانک

کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد سارق‌ی سریالی را دستگیر کردند که با شگردی فریبنده طعمه‌های خود را پای عابر بانک می‌کشاند و سپس نقشه شومش را عملی می‌کرد.

متهم با شناسایی گوشی تلفن هوشمند، تبلت و دستگاه‌های بازی رایانه‌ای آگهی شده در سایت واسطه‌گر با شماره صاحب آگهی تماس گرفته، پس از چانه‌زنی بر سر قیمت به خانه مال‌باخته مراجعه کرده، هنگام پرداخت وجه او را به پای دستگاه عابر بانک کشانده و در حالی‌که کالای شاک‌ی را در اختیار داشته، فرار می‌کرده است.

در بازرسی از مخفیگاه متهم دو دستگاه گوشی تلفن همراه و یک خودرو پژو پارس مسروقه کشف شد. تاکنون پانزده شاک‌ی متهم را شناسایی کرده‌اند. این مرد سی‌ودو ساله معترف شده که پس از سرقت گوشی تلفن همراه، تبلت و پلی استیشن آن‌ها را برای تأمین موادمخدر به زنی خرده‌فروش در بولوار توس می‌فروخته است. تحقیقات در این باره ادامه دارد.

توقیف کامیون قاچاق در پارکینگ

شهرآرا| رئیس پلیس امنیت اقتصادی استان خراسان رضوی از توقیف یک دستگاه خودرو کامیون قاچاق در مشهد خبر داد. سرهنگ حسین جوانبخت در تشریح جزئیات این پرونده گفت: در راستای اجرای طرح برخورد با خودروهای قاچاق و پلاک مخدوش، مأموران اداره مبارزه با قاچاق کالا و ارز پلیس امنیت اقتصادی استان با رصد میدانی به خبری دست یافتند که نشان می‌داد فردی، یک دستگاه کامیون قاچاق را در یکی از پارکینگ‌های خودرو مخفی کرده است.

این مقام انتظامی استان افزود: مأموران کامیون مورد نظر را که پلاک دست‌نویس داشت توقیف کردند. راننده خودرو نیز در مقابل درخواست مدارک خودرو، هیچ‌گونه سند و مجوز قانونی به مأموران ارائه نکرد. کارشناسان انتظامی ارزش خودرو توقیف شده را ۹۰ میلیارد ریال برآورد کرده‌اند. سرهنگ جوانبخت ادامه داد: در این عملیات دو متهم دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شدند.

جدول ۳۶۷۰									
مرکز سر مربی سیاهان	طراز یرقان	حیوان باوقا آب ترکی ام‌الخیانت	خسارت رهبنه صدمه	مدافع فوتبالی عدد ماه	نیم تنه مردانه زبانی	بخششده بازیچه بی قرار	انتخابی پول سامورایی	اتم‌سفر عقیم بودن	
				فراگیر ترین رسانه پخش زنده					
خیاط از انشعابات وکیل آباد		ابزارها خواب		چراغ خوراک‌پزی قدیمی	سید پنبه شتر تیزرو		دریچه چشم		
عدد دایره کافی		سنگ انگشت کشور دونده‌ها		سرای مهر بدهی‌ها		هاشور درهم	ترش و شیرین قوم افغانی		
		پاسخ محصول							
لی‌خند عدد خیاطی	پایین پیراهن یک بار		پایتخت سلوکیان						
							بی سواد پیامبر خیاط		
	پدر ترکی شکر فرانسوی							روغن کاهنده اصطکاک	
							خضاب		
هم عقیده منتسب به ریه							ازاده کریلا سیرت		
	صرب								
خاک کوزه چله									